

کتاب دانیال - شماره هفتاد و سه

پرده برداری از شباهت‌های تاریخی: فریب یربعام و آزمون ایمان جنبش ادونتیست

Jeff Pippenger

2024-02-06

پادشاهی‌های شمالی و جنوبی زیر غضب خدا به مدت دو هزار و پانصد و بیست سال پراکنده شدند؛ این امر تحقق پیمان شکسته مندرج در لاویان باب‌های ۲۵ و ۲۶ بود. چهل‌وشش سال میان پایان نخستین و آخرین غضب‌ها نمایانگر گردآوری آن دو پادشاهی در قالب یک پادشاهی اسرائیل روحانی مدرن در سال ۱۸۴۴ بود. گردآوری آن دو قوم با دو چوبی که حزقیال به هم پیوست و نیز با دو چوبی که بیوه صرقت در داستان ایلیا جمع کرد، نشان داده شد. در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، تاریخ نبوی پادشاهی‌های شمالی و جنوبی به پایان رسید و بدین‌سان تاریخ آغاز آن دو پادشاهی تکرار شد.

یربعام در پادشاهی شمالی نظامی جعلی برای پرستش برقرار کرد تا از سفر رعایایش به یهودا و پرستش خدا در هیکل اورشلیم جلوگیری کند.

و یربعام در دل خود گفت: اکنون پادشاهی به خاندان داود بازخواهد گشت. اگر این قوم برای گزاردن قربانی به خانه خداوند در اورشلیم بالا روند، آنگاه دل این قوم بار دیگر به سوی سرور خود، یعنی رجبام پادشاه یهودا، برخواهد گشت؛ و مرا خواهند کشت و باز نزد رجبام پادشاه یهودا خواهند رفت. پس پادشاه مشورت کرد و دو گوساله زرین ساخت و به آنان گفت: رفتن شما به اورشلیم بسیار دشوار است؛ ای اسرائیل، اینک خدایان تو که تو را از زمین مصر برآوردند. و یکی را در بیت‌ئیل نهاد و دیگری را در دان گذاشت. و این کار مایه گناه شد، زیرا قوم برای سجده کردن نزد آن، تا دان می‌رفتند. و خانه‌ای بر بلندی‌ها ساخت و از میان فرودستان قوم، کاهنانی گماشت که از پسران لاوی نبودند. و یربعام در ماه هشتم، در روز پانزدهم ماه، جشنی مانند جشن یهودا مقرر داشت و بر قربانگاه قربانی گذرانید. چنین در بیت‌ئیل کرد: برای گوساله‌هایی که ساخته بود قربانی نمود، و در بیت‌ئیل کاهنان عبادتگاه‌های مرتفعی را که ساخته بود گماشت. پس در روز پانزدهم ماه هشتم، یعنی در همان ماهی که به رای دل خود تعیین کرده بود، بر قربانگاهی که در بیت‌ئیل ساخته بود قربانی گذرانید و برای بنی‌اسرائیل جشنی مقرر داشت؛ و بر قربانگاه قربانی گذرانید و بخور سوزانید. اول پادشاهان ۱۲:۲۶-۳۳

نظام پرستش او نمونه‌ای از کاتولیسیسم (بت‌پرستی) بود، زیرا همانند عصیان هارون، تصویری برای وحش و از آن وحش برپا کرد. دو پیکره گوساله از طلا ساخته شدند که نماد بابل بودند. آن تصاویر به خدایان مصر تقدیم شدند؛ همان‌گونه که هارون نیز آنان را چنین معرفی کرده بود: «خدایانی که ایشان را از سرزمین مصر بیرون آوردند.» او دو مذبح در دو شهر بنا کرد که اگر با هم در نظر گرفته شوند، نشان‌دهنده ترکیب کلیسا (بیت‌ئیل) و حکومت (دان) هستند. آن مذبح‌ها بدل‌های مذبح حقیقی بودند، که همان مسیح است؛ همان‌گونه که کاتولیسیسم ادعا می‌کند نماینده زمینی مسیح است. او طبقه کهنات فاسدی برپا کرد، همان‌گونه که کاهنان کاتولیسیسم فاسدند. او روزی برای مراسم پرستش خود برگزید که عمداً با روزهای هر یک از اعیاد راستین خدا متفاوت بود، و بدین‌سان جدال بر سر روز راستین و دروغین پرستش را نمایان ساخت.

در آغاز برپایی نظام باطل پرستش او، خداوند پیامبری از یهودا فرستاد تا نظام جعلی پرستش او را سرزنش کند.

و اینک، مرد خدایی از یهودا به کلام خداوند به بیت‌ئیل آمد؛ و یربعام نزد قربانگاه ایستاده بود تا بخور بسوزاند. او به کلام خداوند بر ضد قربانگاه ندا داد و گفت: ای قربانگاه، ای قربانگاه، خداوند چنین می‌فرماید: اینک پسری برای خاندان داوود زاده خواهد شد، به نام یوشیا؛ و بر تو کاهنان بلندی‌ها را که بر تو بخور می‌سوزانند بر تو قربانی خواهد کرد، و استخوان‌های آدمیان بر تو سوزانده خواهد شد. و همان روز نشانه‌ای داد و گفت: این است نشانه‌ای که خداوند فرموده است: اینک قربانگاه شکافته خواهد شد و خاکستر روی آن فرو ریخته خواهد شد. اول پادشاهان ۱۳:۱-۳.

پیامبری از یهودا پیشگویی‌ای سه‌گانه اعلام کرد که از تولد آینده پادشاهی به نام یوشیا خبر می‌داد. او پیش‌بینی کرد که یوشیا کاهنان شریری را که در آن مذبح جعلی خدمت می‌کردند خواهد کشت و نیز استخوان‌های مردان را بر همان مذبح خواهد سوزاند. او نشانه‌ای هم به یربعام داد، مبنی بر اینکه مذبح یربعام شکافته خواهد شد و خاکستر از آن بیرون خواهد ریخت. همه این امور مطابق کلام خداوند تحقق یافت، اما وقتی یربعام اعلام پیامبر را شنید خشمگین شد و درصدد برآمد با پیامبر برخورد کند، ولی خدا بر اوضاع مسلط بود.

و چنین شد که چون یربعام پادشاه سخن مرد خدا را، که بر ضد مذبح در بیت‌ئیل فریاد برآورده بود، شنید، دست خود را از مذبح دراز کرده گفت: «او را بگیرید.» و دستش، که بر ضد او دراز کرده بود، خشک شد، چنان‌که نتوانست آن را به سوی خود بازآورد. و نیز مذبح شکافته شد و خاکستر از مذبح بیرون ریخت، مطابق علامتی که مرد خدا بر حسب کلام خداوند داده بود. اول پادشاهان ۱۳:۴، ۵.

نشانه بی‌درنگ تحقق یافت و دست یربعام فلج شد.

و پادشاه در پاسخ به مرد خدا گفت: اکنون به درگاه یهوه خدای تو تضرع کن و برای من دعا کن تا دستم دوباره به حالت پیشین بازگردد. پس مرد خدا به درگاه خداوند تضرع نمود و دست پادشاه دوباره سالم شد و مانند قبل گردید. آنگاه پادشاه به مرد خدا گفت: با من به خانه بیا و رفع خستگی کن، و من به تو پاداشی خواهم داد. اما مرد خدا به پادشاه گفت: اگر نصف خانه‌ات را هم به من بدهی، با تو نخواهم آمد، و در این مکان نه نان خواهم خورد و نه آب خواهم نوشید، زیرا به موجب کلام خداوند به من چنین دستور داده شده است که: نان نخور، آب ننوش و از همان راهی که آمدی باز مگرد. پس او از راهی دیگر رفت و از همان راهی که به بیت‌ئیل آمده بود بازنگشت. اول پادشاهان ۱۳:۶-۱۰.

عیسی همواره پایان هر چیز را با آغاز آن نشان می‌دهد، و آغاز پادشاهی‌های شمالی و جنوبی اسرائیل باستانی جسمانی به تاریخی ختم می‌شود که در آن دو چوب به یک چوب واحد به هم می‌پیوندند، و این نمایانگر قوم اسرائیل روحانی امروزی است.

در تاریخی که طی آن دو چوب به هم پیوستند، در سال ۱۷۹۸، در زمان پایان، یک روند آزمایشی سه‌مرحله‌ای آغاز شد. هر دو چوب (پادشاهی‌ها) در آستانه ریزش روح‌القدس در فریاد نیمه‌شب گردآوری می‌شدند. در نخستین ناامیدی در بهار ۱۸۴۴، پروتستان‌ها در روند آزمایش مردود شدند و دختران کاتولیسیم شدند و بدین‌سان بنیان‌گذاری یک نظام جعلی پرستش را، چنان‌که یربعام نمونه‌اش را نشان داده بود، تکرار کردند.

رفورماسیون پروتستان کاری بود که خدا انجام داد تا کلیسای در بیابان را از خرافات، سنت‌ها و رسوم کلیسای روم بیرون بیاورد. از زمان مارتین لوتر، حقایق هرچه بیشتری آشکار شد که «فاحشه‌ی صور» را چیزی جز نظامی بت‌پرستانه در پرستش، پوشیده زیر ادعای دروغین مسیحیت، معرفی می‌کرد. هدف خداوند این بود که قوم اسیر خود را از تاریکی بیرون بیاورد، همان‌گونه که وقتی قومش در مصر برده

بودند چنین کرده بود. او آنان را از بندگی مصر رها کنید تا شریعت خود را به آنان بدهد. امتناع پروتستان‌ها از پیروی از نور رو به افزایش آن معرفتی که در سال ۱۷۹۸ مهر آن گشوده شد، سبب شد که نتوانند در سال ۱۸۴۴ شریعت و کار حقیقی مقدس‌گاه مسیح را بشناسند.

ردّ پیام ساعت دآوری از سوی آنان نشان می‌داد که ایشان دختران کلیسای رومی شده‌اند، و سپس نظامی کاذب از پرستش را برپا کردند که در کتاب مقدس با عنوان «نبی کاذب» (پروتستانتیسم مرتد) شناخته می‌شود. میلری‌های وفاداری که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ با ایمان به قدس‌گاه داخل شدند، نور پیام فرشته سوم را دریافت کردند و آن نظام کاذب پرستشی را که مدعی پروتستان بودن است، حال آنکه به سنت نخستین بت‌پرستی، یعنی پرستش خورشید، پایبند مانده است، تویخ کردند. پیامبری از یهودا نماد ادونتیسیم میلری بود که پیام فرشته سوم را که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ رسید، شناخت و اعلام کرد.

هنگامی که نبی با درخواست یربعام مبنی بر اینکه به خانه‌اش بیاید و تجدید قوا کند روبه‌رو شد، دستورالعمل‌های مشخصی را که از سوی خداوند به او داده شده بود بیان کرد. همان فرمان به ادونتیسیم میلری نیز داده شد. محتوای فرمان این بود که از همان راهی که آمده بودند بازنگردند، و ادونتیسیم میلری از کلیساهای پروتستان بیرون آمده بود. آنان در نخستین سرخوردگی در بهار ۱۸۴۴ از پروتستان‌ها جدا شده بودند، و ارمیا نمونه‌ای از عیناً همان دستورهای را که به نبی یهودا داده شده بود ارائه می‌دهد.

سخنانت را یافتم و آنها را خوردم؛ و کلامت شادی و شادمانی دل من شد، زیرا به نام تو خوانده شده‌ام، ای خداوند، خدای لشکرها. در مجمع استهزاکنندگان ننشستم و شادمانی نکردم؛ به سبب دست تو تنها ننشستم، زیرا مرا از خشم آکندی. چرا دردم دائمی است و زخم درمان‌ناپذیر، که از شفا سر باز می‌زند؟ آیا تو برای من سراسر چون دروغگویی و چون آب‌هایی خواهی بود که خشک می‌شوند؟ پس خداوند چنین می‌گوید: اگر بازگردی، آنگاه تو را باز می‌آورم و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر گرانها را از پست جدا کنی، چون دهان من خواهی بود؛ بگذار آنان نزد تو بازگردند، اما تو نزد آنان بازنگرد. و تو را برای این قوم دیواری مسین و استوار خواهم ساخت؛ با تو خواهند جنگید، اما بر تو پیروز نخواهند شد، زیرا من با تو هستم تا تو را نجات داده و رهایی بخشم، می‌گوید خداوند. و تو را از دست شیران رهایی خواهم داد، و از چنگ ستمگران باز خریدت خواهم کرد. ارمیا ۱۵:۱۶-۲۱.

با تحقق نبوت زمانی «وای دوم»، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، فرشته نیرومند مکاشفه ده با کتابچه‌ای گشوده در دستش فرود آمد، و به یوحنا گفته شد که برود و آن کتابچه را بگیرد و بخورد. ارمیا نماینده کسانی است که در آن مقطع از تاریخ آن کتابچه را خوردند، و آن کلمات شیرین چون عسل بودند، زیرا آن‌ها «شادمانی و وجد» «دل» او بودند. اما به سبب «دست» خدا، ارمیا «آکنده» از «خشم» شد، او «زخمی» و در «درد دائمی» بود. به سبب «دست» خدا، ارمیا چنین اظهار کرد که خدا برای ارمیا «چون یک دروغگو» و مانند «آب‌های بی‌دوام» بوده است. خداوند «دست» خود را بر خطایی در برخی از ارقام نمودار ۱۸۴۳ نگه داشته بود.

ارمیا نمایانگر نخستین سرخوردگی پیروان میلر است، زمانی که رؤیای حیقو درنگ کرد. به نظر کسانی که ارمیا نمایندگی‌شان می‌کرد، چنین می‌نمود که پیام، که به «باران» تعبیر شده بود، ناکام مانده است. اما حیقو گفته بود: «زیرا که رؤیا هنوز برای وقت معین است، ولی در آخر سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ اگر درنگ کند، منتظرش باش، زیرا هرآینه خواهد آمد و تأخیر نخواهد نمود.» ارمیا چنین پنداشته بود که خدا دروغ گفته و اینکه پیام (باران) شکست خورده است، اما فقط درنگ کرده بود.

آنگاه خدا به ارمیا فرمود: «اگر بازگردی، تو را باز خواهم آورد و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر آنچه نفیس است را از آنچه پست است جدا کنی، همچون دهان من خواهی بود؛ بگذار آنان به سوی تو بازگردند، اما تو به سوی ایشان باز مگرد.» پس از آن ناکامی، ارمیا نماینده قوم خدا بود؛ قومی که باید به خدمت خداوند بازگردند و دلسردی‌ای را که هنگامی که چنین می‌نمود پیام ناکام شده است پدید آمده بود، به دور افکنند. اگر ارمیا شرایط مقرر را برآورده می‌ساخت، خدا به او اجازه می‌داد سخنگوی او باشد.

آنچه در این زمان برای مطالعه ما مهم‌تر است، سخنی است که خدا به ارمیا درباره «مجمع استهزاگران» گفت که از ناامیدی او «شادمانی» می‌کردند. او به ارمیا گفت که استهزاگران می‌توانند نزد ارمیا بازگردند، اما او هرگز نباید نزد آنان بازگردد. ارمیا نماینده کسانی بود که در برابر پروتستان‌هایی ایستادند که به تازگی انتخاب کرده بودند به دامان کلیسای کاتولیک بازگردند و به دختران بابل، یعنی انبیای کاذب بعل و عشتاروت، بدل شدند. ارمیا نماینده پیامبری از یهودا بود که در همان مقطع از خط نبوت، در آغاز پادشاهی شمالی، نظام دروغین پرستش یربعام را تویخ کرده بود و بدین‌سان نمونه‌ای از ورود یک نظام دروغین پرستش را مجسم می‌کرد که در پایان تاریخ پادشاهی شمالی، تصویری از کاتولیسیسم بود. پیامبر هنگامی که یربعام پیشنهاد برقراری هم‌پیمانی را داد، به او گفت که نباید بخورد، بنوشد یا از همان راهی که آمده بود بازگردد.

و پادشاه به مرد خدا گفت: با من به خانه بیا و رفع خستگی کن، و به تو پاداش خواهم داد. و مرد خدا به پادشاه گفت: اگر نیمی از دارایی‌ات را هم به من بدهی، با تو به خانه‌ات نخواهم آمد و در اینجا نه نان خواهم خورد و نه آب خواهم نوشید، زیرا کلام خداوند چنین به من فرمان داده است: نان مخور، آب منوش، و از همان راهی که آمدی باز مگرد. اول پادشاهان ۷:۱۳-۹.

بیان پیامبر اهل یهودا با کار پیامبران دروغین بعل و عشتاروت در داستان ایلیا همخوانی دارد. البته، تاریخ میلری‌ها نیز تاریخ ایلیا است، زیرا میلر همان ایلیا بود. در داستان ایلیا، پیامبران بعل و عشتاروت رقصی فریبکارانه اجرا کردند که وقتی آتش از جانب خدا فرو آمد و قربانی ایلیا را سوزاند، حماقت آن آشکار شد؛ و بدین‌سان نمادی از فرو ریختن روح‌القدس در "فریاد نیمه‌شب" در تاریخ میلری‌ها بود. رویارویی آن مقطع تاریخی، نمایانگر رویارویی ایلیای دوم بود؛ که همان یحیی تعمیددهنده بود، در جریان رقص فریبکارانه‌ای که دختر هیرودیاس (سالومه) اجرا کرد. هیرودیاس با ایزابل تمثیل شده بود، و ایزابل نماد کلیسای کاتولیک است.

در سال ۱۸۴۴، کلیساهای پروتستان به سالومه، دختر هیرودیاس (ایزابل)، تبدیل شدند. در رقص فریب، هیرودیاس قول داده بود نیمی از پادشاهی‌اش را بدهد و این کار را در روز تولدش انجام داد؛ و بدین‌سان نمادی از روزهای آخر است؛ زمانی که ده پادشاه، که آخاب (پادشاه ده قلمرو شمالی) نمادشان است، موافقت می‌کنند پادشاهی خود را به نهاد پاپی (ایزابل) واگذار کنند. دادن «نیمی از پادشاهی‌ات» نمادی از یک هم‌پیمانی است و پیامبر از یهودا به روشنی به یربعام اعلام می‌کرد که هرگز با آن پادشاه مرتد هم‌پیمانی نخواهد کرد و از نظام پرستش جعلی او حمایت نخواهد کرد.

همان را خداوند نیز به ارمیا گفت، هنگامی که فرمود «مجمع استهزاگران» (پروتستان‌نویس مرتد) می‌تواند نزد ارمیا بازگردد، اما ارمیا هرگز نباید نزد آنان بازگردد، یا از همان راهی که آمده بود بازگردد. اما آن پیامبر یهودایی دقیقاً همین کار را کرد، زیرا پیش از آن که به یهودا بازگردد—پیش از آن که کاری را که به او سپرده شده بود به پایان برساند—به وسیله پیامبری کاذب و دروغگو فریب خورد.

و در بیت‌ئیل پیامبری سالخورده ساکن بود؛ و پسرانش آمدند و همه کارهایی را که آن روز مرد خدا در بیت‌ئیل کرده بود به او خبر دادند؛ و سخنانی را که به پادشاه گفته بود نیز برای پدر خود

بازگفتند. و پدرشان به ایشان گفت: از کدام راه رفت؟ زیرا پسرانش دیده بودند که آن مرد خدا که از یهودا آمده بود، از کدام راه رفت. آنگاه به پسرانش گفت: الاغ را برایم زین کنید. پس الاغ را برای او زین کردند و او بر آن سوار شد، و به دنبال مرد خدا رفت و او را یافت که زیر درخت بلوط نشسته بود؛ و به او گفت: آیا تو همان مرد خدایی که از یهودا آمده‌ای؟ گفت: آری، منم. آنگاه به او گفت: با من به خانه بیا و نان بخور. او گفت: نمی‌توانم با تو بازگردم و با تو داخل شوم؛ و در این مکان با تو نه نان خواهم خورد و نه آب خواهم نوشید، زیرا خداوند به من گفته است: در آنجا نان مخور و آب منوش و از همان راهی که آمدی بازنگرد. او به وی گفت: من نیز همچون تو پیامبرم؛ و فرشته‌ای به کلام خداوند با من سخن گفت و گفت: او را با خود به خانه‌ات بازگردان تا نان بخورد و آب بنوشد. اما او بدو دروغ گفت. پس او با وی بازگشت و در خانه‌اش نان خورد و آب نوشید. و چنین شد که چون بر سفره نشسته بودند، کلام خداوند بر آن پیامبری که او را بازگردانده بود نازل شد، و او به مرد خدایی که از یهودا آمده بود ندا داد و گفت: چنین می‌گوید خداوند: از آن‌رو که از فرمان خداوند نافرمانی کردی و حکم را که خداوند، خدای تو، به تو فرمان داد نگاه نداشتی، بلکه بازگشتی و در آن مکان که خداوند به تو گفته بود «نان مخور و آب منوش»، نان خوردی و آب نوشیدی، جسدت به مقبره پدرانیت نخواهد رسید.

و بعد از آنکه نان خورده و نوشیده بود، برایش خر را زین کرد، یعنی برای آن نبی که او را بازگردانده بود. و چون او رفت، شیری در راه به او برخورد و او را کشت؛ جسدتش در راه افتاده بود و خر در کنار آن ایستاده بود، و شیر نیز در کنار جسد ایستاده بود. و اینک مردانی می‌گذشتند و جسد افتاده در راه و شیری را که کنار جسد ایستاده بود دیدند؛ پس آمدند و آن را در شهری که آن نبی پیر در آن ساکن بود خبر دادند. و چون آن نبی که او را از راه بازگردانده بود این را شنید، گفت: این مرد خداست که نسبت به کلام خداوند نافرمانی کرد؛ از این‌رو خداوند او را به دست شیر سپرده است، و شیر او را دریده و کشته است، مطابق کلام خداوند که به او گفته بود. و به پسران خود گفت: خر را برایم زین کنید. و آنان خر را برایش زین کردند. و او رفت و جسد آن مرد را که در راه افتاده بود یافت، و خر و شیر را دید که کنار جسد ایستاده بودند؛ شیر نه جسد را خورده بود و نه خر را دریده بود. آنگاه نبی جسد مرد خدا را برداشت و بر خر نهاد و آن را بازگرداند؛ و نبی پیر به شهر آمد تا بر او سوگواری کند و او را به خاک بسپارد. و جسد او را در قبر خود نهاد؛ و بر او سوگواری شدند و گفتند: وای، برادر من! و بعد از آنکه او را به خاک سپرد، به پسران خود گفت: چون مردم، مرا در همان قبری که مرد خدا در آن مدفون است به خاک بسپارید؛ استخوان‌هایم را کنار استخوان‌های او بگذارید. زیرا آن سخنی که به کلام خداوند بر مذبح بیت‌ئیل و بر همه خانه‌های بلندی‌ها که در شهرهای سامره است ندا داد، حتماً تحقق خواهد یافت. اول پادشاهان ۱۳:۱۱-۳۳.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

هرگاه قدرت خدا شهادت دهد که حقیقت چیست، آن حقیقت باید تا ابد به‌عنوان حقیقت برقرار بماند. هیچ فرضیه بعدی مخالف با نوری که خدا داده است نباید مورد پذیرش قرار گیرد. مردمانی برخوانند خاست با تفسیرهایی از کتاب مقدس که برای آنان حقیقت می‌نماید، اما حقیقت نیست. خدا حقیقت این زمان را به ما به‌عنوان شالوده ایمان‌مان عطا کرده است. او خود به ما آموخته است که حقیقت چیست. یکی برمی‌خیزد و دیگری نیز، با نوری تازه، که با نوری که خدا در تأیید روح‌القدس خود عطا کرده است در تضاد است. هنوز معدودی زنده‌اند که تجربه به‌دست‌آمده در برپایی این حقیقت را از سر گذرانده‌اند. خدا در لطف خود جانیشان را نگاه داشته است تا آن تجربه‌ای را که از سر گذرانده‌اند، همان‌گونه که یوحنا رسول تا واپسین دم عمرش کرد، بارها و بارها تا پایان عمر بازگو کنند. و پرچمدارانی که در گذشته‌اند، باید از طریق بازچاپ نوشته‌هایشان سخن بگویند. به من تعلیم داده شده است که بدین‌سان صدای آنان شنیده شود. آنان باید شهادت دهند که چه چیزی حقیقت این زمان را تشکیل می‌دهد.

ما نباید سخنان کسانی را بپذیریم که با پیامی می‌آیند که با اصول ویژه ایمان ما در تضاد است. آنان انبوهی از آیات کتاب مقدس را گرد می‌آورند و آن را به عنوان دلیل پیرامون نظریه‌های ادعایی خود انباشته می‌کنند. این کار در طول پنجاه سال گذشته بارها و بارها انجام شده است. و با اینکه کتاب مقدس کلام خداست و شایسته احترام است، به کارگیری آن، اگر چنین به کارگیری‌ای یکی از ستون‌ها را از بنیانی که خدا این پنجاه سال آن را استوار داشته است جابه‌جا کند، خطایی بزرگ است. کسی که چنین به کارگیری‌ای می‌کند، از تجلی شگفت روح القدس که به پیام‌های گذشته‌ای که به قوم خدا رسیده‌اند قدرت و قوت بخشید، آگاه نیست.

دلایل الدر جی قابل اعتماد نیستند. اگر پذیرفته شوند، ایمان قوم خدا را به حقیقتی که ما را آن کرده که هستیم از بین خواهند برد.

در این موضوع باید قاطع باشیم؛ زیرا نکاتی که او می‌کوشد با استناد به کتاب مقدس ثابت کند، استوار نیستند. آنها ثابت نمی‌کنند که تجربه گذشته قوم خدا باطل بوده است. ما حقیقت را داشتیم؛ به وسیله فرشتگان خدا رهبری می‌شدیم. بیان مسئله قدس تحت هدایت روح القدس صورت گرفت. برای هرکس بهترین فصاحت آن است که درباره جنبه‌هایی از ایمان ما که در آنها نقشی نداشته، سکوت اختیار کند. خدا هرگز با خود تناقض ندارد. اگر آیات کتاب مقدس را وادار کنیم بر آنچه حقیقت ندارد شهادت دهند، دلایل کتاب مقدسی نابجا به کار رفته‌اند. یکی و سپس دیگری برخواهد خاست و نوری به اصطلاح عظیم خواهد آورد و ادعاهای خود را مطرح خواهد کرد. اما ما بر حدود و نشانه‌های کهن پای می‌فشاریم. [اول یوحنا ۱:۱-۱۰ نقل شده].

به من دستور داده شده است که بگویم این سخنان را می‌توانیم متناسب با این زمان به کار ببریم، زیرا زمان فرا رسیده است که باید گناه را به نام درستش خواند. ما در کارمان از سوی مردانی که توبه نکرده‌اند و جلال خود را می‌جویند، دچار مانع می‌شویم. آنان می‌خواهند مبتکر نظریه‌های تازه به شمار آیند؛ نظریه‌هایی را عرضه می‌کنند و ادعا دارند که حقیقت‌اند. اما اگر این نظریه‌ها پذیرفته شوند، به انکار آن حقیقتی خواهند انجامید که طی پنجاه سال گذشته خدا به قوم خود می‌داده و آن را با برهان روح القدس تأیید کرده است. پیام‌های برگزیده، جلد ۱، ۱۶۱.